کشورهای غربی در دهه‌های گذشته با تکیه بر مصونیت از مجازات، با استفاده تکراری از استراتژی شکست‌خورده تحمیل جنگ به ایران و تسلیح متجاوزان، رنج‌هایی را به مردم کشـــور تحمیل کردند، اما نتوانستند خدشه‌ای در دفاع تاریخی و مشروع ایرانیان از آب و خاک‌شان ایجاد کنند.

مدعیان حقوق بشر در جنایت سابقه دیرینه دارند

تسلیحات غـــربی ابزار جنایت‌های صـــدام در جنگ تحمیلی علیه ایران

به گزارش خبرگزاری میزان، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران ریشه در تاریخ کهن این کشور دارد و در سده‌های متوالی حماسه‌های کم‌نظیری را رقم زده است؛ ایران و مردمش در درازای تاریخ همواره نشان داده‌اند که هیچ‌گاه دست از دفاع از آب و خاک خود نمی‌کشند و در این مسیر جان و مال خود را فدا می‌کنند.

باور عمیق به حفظ کشور و تمامیت ارضی آن با گذشت قرن‌ها همچنان در میان ایرانیان به قوت و قدرت باقی است، هرچند طوفان‌های تجاوزکارانه متعددی برای آسیب‌زدن به درخت تناور این باور بر مردم ایران تحمیل شدند؛ جدیدترین نمونه از این دست اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی علیه ایران در خرداد/ تیر ۱۴۰۴ بود که مردم ایران از این آزمون نیز سربلند بیرون آمدند.

اهمیت موضوع از دفـــاع از خاک و آب برای مردم ایران به حدی است که در کشور موزه‌ای با نام دفاع مقدس وجود دارد و در تقویم کشورمان هفته‌ای به نام دفاع مقدس تعیین شده است؛ ۳۱ شهریور تا ۶ مهر هرساله در ایران به‌عنوان هفته دفاع مقدس گرامی داشته می‌شود.

دلیل تعیین این بازه زمانی به‌عنوان هفته دفاع مقدس، آغاز جنگ تحمیلی ۸ساله رژیم بعث عراق علیه ایران در ۳۱ شـــهریور ۱۳۵۹ است؛ در این جنگ ۸ساله که یکی از طولانی‌ترین جنگ‌های متعارف قرن بیستم نیز نامیده می‌شود، مردم ایران به تنهائی و با اتکا بر قدرت و ظرفیت‌های درونی در برابر هجوم صدام تحت حمایت‌های تسلیحاتی و نظامی شمار قابل‌توجهی از کشورها ایستادگی و افتخارآفرینی کردند.

ایـــران کشـــوری صلح‌خـــواه و امنیت‌ســـاز و امنیت‌طلب در منطقه‌ای مملو از تنش‌های ساخت کشـــورهای غربی مدعی صلح و امنیت است که به گـــواه تاریخ در ۲ قرن اخیر آغازکننده هیچ جنگی نبوده است، در ۵ دهه گذشته به دلیل ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها و فرصت‌طلبی‌های مدعیان غربی صلح و امنیت بین‌المللی هدف جنگ‌های تحمیلی قرار گرفته است. نگاهی به جنگ‌های تحمیل‌شده از سوی کشورهای غربی مدعی صلح و امنیت به ایران، واقعیت‌های مهمی را آشکار می‌کنند.

در جنگ ۸ساله تحمیلی رژیم بعث عراق به ایران، کشـــورهای غربی و به شکل ویژه آمریکا با ارائه حمایت‌های سیاسی، اطلاعاتی و تسلیحاتی خود به صدام، دست وی را در ارتکاب جنایت‌های کم‌سابقه‌ای علیه مردم ایران باز گذاشتند؛ فهرست طولانـــی این جنایت‌ها بـــا صفحه‌های مربوط به جنایت‌های شیمیایی تصویرگر یکی از بدترین و جنایت‌کارانه‌ترین جنگ‌های تاریخ معاصر است.

۸۰ کشور جهان در حالی به‌صورت مستقیم و غیرمســـتقیم در حمله صدام به ایران، پشت او ایســـتاده و حمایتش کردند که ایران در آن زمان به‌دلیل سیاست‌های کشورهای غربی مخالف نهال نوپای انقلاب اسلامی حتی حق خرید سیم خاردار یا ساده‌ترین تجهیزات نظامی را نداشت.

دولت آمریکا با اهداف نامشـــروع و غیرقانونی سیاســـی به‌عنوان حامی اصلی رژیم بعث عراق، تدارکاتچی صدام شد؛ دولت وقت آمریکا پشتیبانی اطلاعاتی زیادی از صدام حمایت کرد.

دونالد ریـــگان حدود ۸۴۰ میلیون دلار برای واردات مواد غذایی به عراق اختصاص داد؛ ضمن اینکه یک‌میلیارد دلار وام برای خرید و ســـاخت سلاح به عراق داد؛ خارج کردن نام عراق از فهرست کشورهای حامی تروریســـم، اقدام دیگری برای تسهیل معاملات تسلیحاتی عراق بود.

صدام در طول جنگ با ایران بیش از ۵۰میلیارد دلار کمک از کشورهای غربی دریافت کرد.

در این میان اروپایی‌های مدعی حقوق بشـــر از طریق ارســـال تســـلیحات به‌ویژه تســـلیحات شیمیایی و میکروبی به عراق، مسیر جنایت علیه شـــهروندان ایرانی را همـــوار کردند؛ آنها با نقض قوانین بین‌المللی مسیر جنایت‌هایی را برای صدام فراهم کردند که علاوه‌بر قتل‌عام هزاران شهروند ایرانی، پس از دهه‌ها همچنان نفس‌های شماری از هموطنان ما را تنگ کرده است.

فرانســـه یکی از بزرگ‌تریـــن تامین‌کنندگان تسلیحات به عراق بود و میلیاردها دلار تجهیزات پیشرفته، ازجمله توپخانه، تانک، نفربرهای زرهی و هواپیماهـــای جنگی فروخت؛ پاریس همچنین اورانیـــوم بـــه رژیم بعث فروخت و شـــرکت‌های فرانسوی در توسعه ســـلاح‌های شیمیایی صدام مشارکت داشتند.

آلمان از طریق کانال‌هـــای پنهان اطلاعاتی با رژیم بعث همکاری نزدیکی داشـــت؛ سرویس اطلاعاتـــی فدرال آلمان (BND) از ســـال ۱۹۷۹ تجهیزات جاسوسی، آموزش نیروهای ویژه بعثی در مدارس باواریا و پلیس، و سلاح‌ها و فناوری‌های نظارتی را تامین کرد.

کارشناسان می‌گویند که این حمایت‌ها نه‌تنها جنگ را طولانی‌تر کرد، بلکه به صدام اجازه داد تا از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کند، آن هم بدون مواجهه با تحریم‌های جدی توسط غرب.

با وجود اسناد و مدارک متعدد درباره تسلیح و تجهیز صدام به تسلیحات شیمیایی و میکروبی در جنگ علیه ایران توسط اروپایی‌ها این کشورها همچنان تلاش می‌کنند زیر سایه استانداردهای دوگانه، فضاسازی‌های ضدایرانی و فرافکنی کارنامه خود را سفیدشـــویی کرده و خـــود را از مجازات مصون کنند.

ایران در ســـال‌های گذشته همواره خواستار پاسخگویی کامل کشـــورهای غربی در این‌باره شـــده است؛ به‌عنوان مثال، آلمان کشوری که با ارسال مواد شـــیمیایی موردنیاز ساخت بیش از ۶ هزار تـــن بمب شـــیمیایی در میان همتایان اروپایـــی خود پیشـــگام بود، نقـــش مهمی در تســـلیح رژیم بعث عراق به تسلیحات شیمیایی و میکروبـــی در جریـــان جنـــگ علیـــه ایران و شـــهید و مجروح شـــدن شـــماری از ایرانی‌ها داشت، همچنان پاسخی به پیشنهاد ایران برای ایجـــاد کمیته حقیقت‌یـــاب در این زمینه نداده است.

آمریکا که چراغ سبز حمله صدام به ایران را در ۱۹۸۰ داده بود، در ســـال ۲۰۲۵ با همراهی کشورهای اروپایی زمینه را برای اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیســـتی فراهم کرد؛ واقعیت غیرقابل کتمان در این باره، این است که غرب عامدانه و هدفمند مسیری را در تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران در سال ۲۰۲۵ طی کرد که تکرار مسیر شکست‌خورده ۱۹۸۰ بوده است.

لزوم ارزیابی روانشناسی پیش از عمل‌های زیبایی

تقلیدی که زنان ایرانی را شبیه هم کرده است

پزشک‌نماها با وعده بینی کوچک‌تر و صورتی عروسکی، هر سال جان و سلامت صدها زن را می‌گیرند؛ ۳۰ درصد عوارض جراحی‌های زیبایی در ایران، به دست همین افراد رقم می‌خورد.

به گزارش خبرگزاری فارس، جسد دختر جوانی که برای جراحی زیبایی به یک کلینیک غیرمجاز مراجعه کرده بود، در بیابان‌های اطراف تهران پیدا شد.

پلیس جراح قلابی پرونده را بازداشـــت کرد؛ مردی میانســـال با مدرک دکتری علوم آزمایشگاهی بدون تخصص پزشکی که با تزریق «روغن سویا» به‌جای ژل و بوتاکس، بیش از ۵۰ زن را فریب داده و باعث عفونت‌های شدید و تخلیه بخش‌هایی از صورت و بدن آنها شده بود.

طبق گزارش‌ها، سالانه صدها مورد مداخله غیرمجاز در حوزه پزشکی، به‌ویژه جراحی‌های زیبایی، گزارش می‌شود که منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر، عفونت، نقص عضو و حتی مرگ می‌شود.

طبق اعلام نظام‌پزشکی، از تمام افرادی که در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پزشک فعالیت می‌کنند، کمتر از ۸۰۰ نفر واقعاً عضو خانواده پزشکی هستند و اکثریت بدون صلاحیت و مجوز با ادعای دروغین مدرک، مردم را فریب می‌دهند.

حدود ۳۰ درصد عوارض جراحی‌های زیبایی در ایران مربوط به همین پزشک‌نماهاســـت؛ یعنی از هر ۱۰ مورد عارضه، ۳ مورد توسط افرادی بدون تخصص واقعی رخ می‌دهد.

تأثیر فرهنگ غربی و هالیوود، از ســـریال‌های ترکی تا فیلم‌های آمریکایی، چهره‌های عروســـکی و باربی‌مانند را ترویج کرده اســـت. مطالعه‌ای در ســـال ۲۰۲۰ نشان داد ۷۰٪ زنان متقاضی عمل زیبایی تحت تأثیر تصاویر اینستاگرامی و سلبریتی‌ها هستند.

سیدمهدی اعتمادی‌فرد، جامعه‌شناس، جراحی زیبایی را تلاشی برای رهایی زنان از تصویر منفی بدن و ابزاری برای ساخت هویت متمایز و افزایش تنوع اجتماعی می‌داند.

اما در مقابل نیره توکلی معتقد اســـت موج فراگیر جراحی‌ها به یکسان‌ســـازی چهره‌ها انجامیده و زیبایی را از تنوع انداخته، موضوعی که با روح فرهنگ غنی ایران ناسازگار است.

پروانه اخوان، کارشناس ارشد بالینی، معتقد است افراد پیش از عمل‌های زیبایی بهتر است زیر نظر روانشـــناس ارزیابی شوند تا در صورت وجود اختلالاتی مانند خودشیفتگی یا نارضایتی از بدن درمان شوند. او راهکارهایی چون آموزش زنان برای نگرش عمیق‌تر به خود، تغییر نگاه مردان از ظاهر به اخلاق و توانمندی، آگاه‌سازی درباره عوارض جراحی و انجام تحقیقات لازم در صورت لزوم را برای پیشگیری از گرایش بی‌رویه به این عمل‌ها ضروری می‌داند.

در حالی‌کـــه حجت‌الاســـلام محمد قمی، رئیس ســـازمان تبلیغات اسلامی، با عذرخواهی از کم‌کاری‌های گذشـــته، بر ضـــرورت بازنمایی جایگاه باکرامت زن ایرانی و اقدام هوشـــمندانه و چندبعدی برای سامان‌بخشـــی پوشـــش اجتماعی تأکید کرده است، پرسش جدی پیش‌روی جامعه این است: چرا ده‌ها نهاد رسمی که طبق قانون و مصوبات فرهنگی موظف به اقدام‌اند، همچنان در سکوت یا بی‌عملی به سر می‌برند و آرامش اجتماعی مردم را به مخاطره انداخته‌اند؟

چرا دستگاه‌های مسئول حوزه پوشش به میدان نمی‌آیند؟

به گزارش خبرگزاری فارس، مسئله پوشش اجتماعی و عفاف در جمهوری اسلامی موضوعی صرفاً فردی یا انتظامی نیســـت؛ بلکه بر اساس اسناد بالادستی، ده‌ها نهاد فرهنگی، اجتماعی و اجرائی در قبال آن وظیفه دارند. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در ســـال ۱۳۸۴ با عنوان «سیاســـت‌ها و راهکارهای گســـترش فرهنگ عفاف و حجاب»، بیش از ۲۶ دستگاه را به‌طور مســـتقیم موظف کرده است؛ از وزارت کشور و نیروی انتظامی تا آموزش‌وپرورش، صداوسیما، وزارت ارشاد و حتی شهرداری‌ها. افزون بر آن، ماده ۱۰۲ قانون برنامه ششـــم توسعه دولت را مکلف کرده اســـت تا برنامه ملی ترویج عفاف و حجاب را با همکاری همه دستگاه‌ها اجرا کند.

با این حال، واقعیت جامعه نشان می‌دهد که این نهادها یا وارد عمل نشده‌اند یا اقدامات‌شان به نتیجه نرسیده است. چند دلیل اساسی برای این وضعیت وجود دارد:

فقدان ضمانـــت اجرائی مصوبه‌ها؛ مصوبات شـــورای عالی انقلاب فرهنگی بارها روی کاغذ مانده و به قانون الزام‌آور تبدیل نشـــده اســـت. چندپارگی مسئولیت‌ها؛ هر دستگاهی بخشی از وظیفه را متوجه دیگری می‌داند و وزارت کشور نیز در مقام هماهنگ‌کننده ابزار الزام کافی در اختیار ندارد.

امنیتی‌سازی به‌جای فرهنگی‌سازی؛ بخش عمـــده‌ای از بار این موضـــوع بر دوش ضابطان انتظامـــی افتـــاده، در حالی‌که ســـند ۱۳۸۴ به‌صراحت بـــر راهکارهای فرهنگی و اجتماعی تأکید داشت.

ضعف رسانه و گفتمان‌سازی؛ صداوسیما و وزارت ارشـــاد نتوانسته‌اند جایگاه و کرامت زن مسلمان را در قالب روایت‌های جذاب و باورپذیر عرضه کنند.

تعارضات سیاســـی؛ همان‌طور که در متن تصویر آمده، هیاهوی جناحی، مســـئله اصلی یعنی هویت و نقش زن را به حاشیه رانده است.

فقدان ســـازوکار پاســـخ‌گویی؛ هیچ نهادی به‌طور شـــفاف پاســـخ نمی‌دهد که چرا تکلیف قانونی خود را زمین گذاشته است.

فرهنگـــی و اجرائـــی وظایف خـــود را در قبال عفاف و حجاب جدی بگیرند و گزارش عملکرد دهند.»

این مواضع، نشان می‌دهد که مطالبه اصلی رهبـــر انقلاب چیزی فراتـــر از برخورد مقطعی یا سلبی است؛ ایشـــان بر چاره‌اندیشی عمیق، هماهنگـــی نهادی و ارائه الگوهای مثبت تأکید دارند. کوتاهی در این زمینه، نه فقط بی‌توجهی به یک قانون، بلکـــه بی‌اعتنایی به یک مطالبه صریح رهبری است.

نقشه راه مغفول

رهبر معظم انقلاب در دو دهه گذشته بارها درباره «زن، خانواده و حجاب» نکات اساســـی مطرح کرده‌اند که عملاً مبنای سیاست‌گذاری کشور است. ایشان در دیدارهای مختلف:

حجـــاب را «حکم قطعی شـــرع و ضرورت اجتماعی» دانسته و آن را عامل امنیت روانی و تحکیم خانواده معرفی کرده‌اند.

هشدار داده‌اند که مسئله زن نباید به عرصه دعواهای جناحی تقلیل پیدا کند و کرامت زن باید در مرکز توجه قرار گیرد.

در بیانیه گام دوم انقلاب تأکید کرده‌اند که زن ایرانی باید با هویت اســـلامی- ایرانی خود، الگویی برای جهان اسلام باشد. بارها دستگاه‌ها را خطاب قرار داده و گفته‌اند: «باید دستگاه‌های فرهنگی و اجرائی وظایف خود را در قبال عفاف و حجاب جدی بگیرند و گزارش عملکرد دهند.»

حجت‌الاســـلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با انتشار یک ویراست، نوشت: «بی‌هنریِ همه ما مسئولینِ سهیم، فرصتِ حضور اجتماعی بانوان و جوانان را بعضاً به مسیر اشتباه کشانده و دستاویزی برای سوءاستفاده بدخواهانِ مردم ساخته است. به سهم خودم شرمنده ملتِ فرهیخته و متدین ایران اسلامی هستم. متأسفانه آنچه در هیاهوی سیاســـی فراموش شده است؛ «هویت، شخصیت و نقش فاخر زن» است.

«بروز علنیِ رفتار ناشایســـت» توهم غلبه ساخته اســـت؛ چرا؟ چون در جامعه اصیل و با فرهنگ ایرانِ اسلامی، زشتی و ناپسندیِ اعمال هنجارشکنانه بیشـــتر به چشم می‌آید و جلب توجه می‌کند. «قاعده‌داری پوشش اجتماعی» و «حفظ امنیت روانی و اخلاقی جامعه» ضرورتی دینی، عقلایی و عامل دوامِ اتحاد است.

همه موظفیم در «چاره‌اندیشیِ هوشمندانه و چندبعدی» و «اقدام عقلانی و انســـانی» در این‌باره تسریع کنیم. فرصت‌های کم‌نظیری در دسترس ماست که غفلت از آنها، ما را در مقابل تاریخ و نســـل‌های آینده ایران شرمسار خواهد کرد. دودِ این بی‌تفاوتی‌ها و بی‌عملی‌ها در چشم خودمان می‌رود.»

اکنون و پس از سخنان صریح رئیس سازمان تبلیغات اســـلامی، جامعه انتظار دارد نهادهای مســـئول به وظایـــف قانونـــی و فرهنگی خود بازگردند. بی‌عملی و تأخیر بیش از این، نه‌تنها فرصت‌هـــای کم‌نظیر برای تحکیم هویت زن و خانواده ایرانی را از بین می‌برد، بلکه به تعبیر خود او، «دود آن در چشم خود ما» خواهد رفت؛ به شکل افزایش دوقطبی‌ها، تضعیف آرامش روانی جامعه و تهدید سرمایه اجتماعی.

سوداگری در بازار کتاب این‌بار به اسم رتبه‌بندی معلمان سبب شده است برخی از متقاضیان در ۱۰ دقیقه به جرگه نویسندگان وارد شوند.

به گزارش خبرگزاری تســـنیم، در آستانه ثبت مـــدارک جدید برای ارتقـــای رتبه‌بندی معلمـــان، بازار کتاب‌ســـازی و چاپ و نشـــر کتاب‌های زرد و بی‌کیفیت هم داغ داغ است، با یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، فهرستی از ناشران فعال در این زمینه پیش چشم شما گشـــوده خواهد شـــد؛ ناشـــرانی که خود تیم تألیف دارند و از تألیف کتاب تا ویراســـتاری و صفحه‌آرایی، اخذ مجوز، ثبت فیپا و در نهایت انتشار کتاب را انجام می‌دهند.

شگرد جدید رزومه‌سازی برای رتبه‌بندی معلمان!

یک پک کامل بـــا هزینه‌های مختلف برای ســـطوح گوناگون؛ از کتاب «رزومه‌ای» گرفته تا «علمی» و «تخصصی»! برای هر رشـــته‌ای که بخواهید، از علوم انسانی گرفته تا تجربی و ریاضی؛ از تألیف درباره حافظ و سعدی و روش تدریـــس در پایه دوم ابتدائـــی گرفته تا تأثیر میکروب X بر عروق مغزی موش‌های صحرای آفریقا، همه این‌ها در کمتر از یک ماه به سرانجام می‌رسد، بدون آنکه بخواهید کمترین زحمتی برای رفتن به کتابخانه بکشید و به‌قول قدیمی‌ها، دود چراغ بخورید.

چگونه یک‌شبه ره صدساله را برویم؟

به اولین ناشـــری که فکر می‌کنم می‌تواند اطلاعات بیشـــتری در ایـــن زمینه بدهد، زنگ می‌زنم. او خود تیم تألیف دارد که بعد از انجام تألیف، کارهای مربوط به مجوز و چاپ را پیگیری می‌کند، ظاهراً بین ۵-۶ ناشری که زنگ می‌زنم تا با آنها صحبت کنم، کمترین هزینه را دریافت می‌کنـــد. محمدی، که مدیریـــت تیم تألیف را به‌عهده دارد، درباره روند کار و هزینه آن این‌طور توضیح می‌دهد: هزینه تألیف کتاب با توجه به اینکه در چه‌سطحی می‌خواهید متفاوت است. اگر کتـــاب رزومه‌ای می‌خواهیـــد، با پرداخت ۳-۴ میلیون و ظرف دو روز می‌توانید به نتیجه برســـید، اما کتاب‌های علمی و تخصصی کمی قیمت بالاتری دارند و روند کارشـــان طولانی‌تر است. کتاب‌های علمی با پرداخت ۵-۶ میلیون تومان و ظرف مدت یک هفته آماده می‌شود و کتاب‌های تخصصی نیز ســـه هفته کاری زمان برای تألیف آن نیاز اســـت که با پرداخت حدود ۱۵ میلیون برای رشته‌های تجربی و ریاضی و ۹ میلیون برای رشته علوم انسانی تحویل شما داده می‌شود. درباره تفاوت این کارها می‌پرسم، می‌گوید: تفاوت این کتاب‌ها در سبک نگارششان است. در کتاب‌های رزومه‌ای از منابع اینترنتی بیشتر استفاده می‌شود، در واقع کتاب یک نوع گردآوری است، اما به‌گونه‌ای نوشته می‌شود که می‌توانید علاوه‌بر سایت رتبه‌بندی، در «صندوق هنر» نیز ثبت کنید و از مزایای آن نیز بهره‌مند شوید. در کتاب‌های علمی، کتاب براساس یک نظریه نوشته می‌شـــود و کتاب تخصصی نیز، نویسنده یک نظریه علمی را مطرح می‌کند.

او ادامـــه می‌دهد: ما برای هر مراجعه‌کننده هزار موضوع رزومه‌ای و دو هزار موضوع تخصصی می‌فرســـتیم، تا آن را انتخاب کند و بعد از آن، روند کار تألیف آغاز می‌شود.

ناشر دیگری که در شیراز فعالیت می‌کند، در تماس بعدی‌ام پیشنهاد می‌کند که به ناشرانی که قیمت پایینـــی دارند، اعتماد نکنم؛ چرا که ممکن اســـت قانون کپی‌رایت را رعایت نکنند و «بعداً برایم دردسرســـاز» شود. او درباره روند کار تیم تألیفشـــان می‌گویـــد: برای یک کتاب ۱۰۰صفحه‌ای، حدود ۱۵ میلیون تومان دریافت می‌کنیم و برای هزینه چاپ کتاب با این حجم، حدود هشت میلیون.

۱۰دقیقه‌ای نویسنده شوید!

گفته می‌شـــود؛ ظاهراً مرحلـــه‌ای به‌عنوان بازبینی و بررسی مدارکی مانند کتاب هنوز در ســـامانه رتبه‌بندی اعمال نشده است؛ به همین خاطر بازار مراجعه برخی از این معلمان به این دســـت از ناشران داغ است، این ناشر درباره این موضوع می‌گوید: سایت رتبه‌بندی بررسی خاصی در این زمینه انجام نمی‌دهد و سیســـتم ارشاد هم هنوز به این درجه نرسیده است که مسئله همگونی کتاب‌ها را بررسی کند؛ همین موضوع سبب شده است برخی از ناشران از این فرصت استفاده کنند و به اسم محتوای علمی، دو فصل از دو کتاب متفاوت را در عرض ۱۰ دقیقه به‌عنوان یک کتاب جدید به شما بفروشند، اما من همیشه به مراجعه‌کنندگان می‌گویم که این کار ممکن است در آینده دردسرساز شود؛ مثل خیابانی که شما هر روز از آن رد می‌شوید، اما ممکن است یک روز برای شما در آن خیابان اتفاقی رخ دهد.

هزینه تألیف کتاب تخصصی برای این ناشـــر از ۲۰ میلیـــون آغاز می‌شـــود که بیشـــتر برای رشته‌های علوم انسانی است: کتاب را به‌گونه‌ای تألیف می‌کنیم که شما اصلاً نشانی از مطالب آن در اینترنت پیدا نمی‌کنید، محدودیتی هم برای تألیف نداریم، همه رشته‌ها را می‌توانیم تهیه کنیم.

یک کتاب با ده‌ها مؤلف

ثبت هر کتاب در سامانه رتبه‌بندی، ظاهراً ۱۰ امتیاز دارد؛ ۱۰ امتیازی که در میزان هزینه حقوق شـــما تأثیر قابل‌توجهی خواهد گذاشت. ناشر دیگری که در تهران فعال است، می‌گوید این روزها خیلی مراجعه‌کننده داشته است؛ اما پیشنهاد می‌دهد که خودم آستین‌ها را بالا بزنم و با اســـتفاده از هوش مصنوعی و اینترنت، یک کتاب ۶۰ -۷۰ صفحه‌ای بنویسم و دیگر هزینه تألیـــف را نپردازم: اگر در اینترنت موضوعاتی را ســـرچ کنید، چندین صفحه برای شما مطلب می‌آورد، همه آنهـــا را می‌توانید در ۶۰ صفحه خلاصه و به‌عنوان کتاب منتشر کنید.

او تأکید می‌کند که بسیاری از ناشرانی که الآن دارند برای رتبه‌بندی کتاب تألیف می‌کنند، یک عنوان کتاب را با اسامی مختلف به چندین نفر می‌فروشند و چون نظارتی هم بر محتوا وجود ندارد، همه این افراد، این یک عنوان کتاب را به نام خود در سامانه ثبت می‌کنند.

از او درباره تعداد مراجعه‌کنندگان می‌پرسم، می‌گوید: این روزها تعداد مراجعه‌کنندگان بیشتر شده اســـت؛ عمدتاً هم معلمانی هستند که یا متأهل‌اند و فرصت کافی برای نوشـــتن کتاب ندارند و یا مشغول تدریس خصوصی‌اند و وقت نمی‌کنند که به این امور بپردازند.

میان ناشرانی که در زمینه چاپ کتاب برای رتبه‌بندی فعالیت می‌کنند، هستند کسانی که کیفیت کارشـــان را پایین نمی‌آورند و تنها اثر آماده را چاپ می‌کنند. ناشـــری که در شـــمال کشور فعال است، توصیه می‌کند که با استفاده از فیلم‌های آموزشی که در سایت قرار داده است، ظرف مدت یک هفته کتاب بنویسم و تنها برای مجوز و چاپ، هزینه پرداخت کنم.

کتاب‌ســـازی و انتشـــار کتاب‌هـــای زرد و بی‌کیفیت؛ امر جدیدی در نشر ایران نیست. بنا بر اعلام مســـئولان خانه کتاب، در کشور بیش از ۲۲ هزار مجوز نشـــر داریم که از این میزان، تنها پنج هزار ناشر فعال هستند؛ یعنی کمتر از یک‌چهارم.

کارشناســـان بر این باورنـــد که چالش‌های اقتصادی و سودای درآمد؛ سبب شده است تعداد قابل‌توجهی از آثار بی‌کیفیت و به‌اصطلاح زرد سالانه منتشر و در آمار نشر کشور لحاظ شود؛ آثاری که به‌سختی می‌توان عنوان «کتاب» و یا حتی «جزوه» را بر آنها گذاشت.

بار سنگین کوله‌پشتی و خطرات پنهان برای سلامت نوجوانان

دانش‌آموزان هر روز برای رفتن به مدرسه وسایل زیادی همراه دارند و اغلب آنها را در کوله‌پشتی حمل می‌کنند؛ اما پرسش اینجاست که وزن کوله‌پشتی چه تأثیری بر بدن نوجوانان دارد و آیا می‌تواند برای سلامتی‌شان مشکل‌ساز شود؟

به گزارش ایسنا، کوله‌پشتی، پرکاربردترین وسیله حمل کتاب و وسایل مدرسه است. در نگاه اول، بهترین انتخاب برای دانش‌آموزان به نظر می‌رسد؛ چرا که وزن را روی دو شانه تقسیم می‌کند؛ اما وقتی کوله بیش از حد ســـنگین باشد، بدن برای حفظ تعادل مجبور به تغییراتی می‌شود. این تغییرات شامل خم شدن بیش از اندازه تنه و گردن است که در بلندمدت می‌تواند آسیب‌زا باشد. فشار مداوم بر ستون مهره‌ها و عضلات پشتی، خستگی شدید ایجاد می‌کند و احتمال آسیب‌دیدگی را بالا می‌برد. علاوه‌بر این، متخصصان بیومکانیک معتقدند سنگینی کوله‌پشتی می‌تواند تعادل بدن را برهم بزند و حتی بر نحوه راه رفتن فرد اثر منفی بگذارد.

پژوهش‌های مختلف نشـــان داده‌اند که حمل بار اضافی موجب تغییر در شکل قوس‌های کف پا، افزایش فشـــار بر مفاصل و ایجاد ناهنجاری‌های حرکتی می‌شـــود. ایـــن موضوع به ویژه برای دانش‌آموزان اهمیت دارد، چرا که بدن آنها هنوز در حال رشد است و عادات حرکتی روزمره می‌تواند در شـــکل‌گیری ساختار اسکلتی آینده‌شان نقش مهمی ایفا کند. اگر توزیع نیرو در پاها نامتقارن باشـــد، خطر بروز دردهای مزمن، مشکلات ستون فقرات و حتی تغییر در وضعیت اندام‌ها افزایش می‌یابد. به همین دلیل بررســـی ارتباط وزن کوله‌پشتی با نحوه حرکت و تقارن پاها می‌تواند برای حفظ سلامت نوجوانان حیاتی باشد.

در رابطه با این موضوع، امیرعلی جعفرنژادگرو، دانشـــیار بیومکانیک ورزشی از دانشگاه محقق اردبیلی، با همکاری دانشـــگاه آزاد اســـلامی واحد تهران مرکزی و پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، پژوهشی انجام داده است. او و همکارانش بررسی کردند که حمل کوله‌پشتی‌های مختلف چـــه اثری بر هماهنگی و تقارن بین پای برتر و غیربرتر دانش‌آموزان دختر دبیرســـتانی دارد. این پای برتر معمولاً همان پایی است که فرد در فعالیت‌های حرکتی مثل شوت زدن یا پریدن بیشتر از آن استفاده می‌کند.

برای انجام این پژوهش، ۲۰ دختر نوجوان ۱۴ تا ۱۷ساله شرکت کردند. به آنها کوله‌پشتی‌هایی معادل ۱۰، ۱۵ و ۲۰درصد وزن بدن داده شد و از آنها خواسته شد در حالی که این کوله‌ها را حمل می‌کنند، راه بروند. همزمان دستگاه‌های سنجش فشار کف پا، نیروهای وارده بر بخش‌های مختلف پا را در هر دو پای برتر و غیربرتر ثبت کردند. این داده‌ها سپس با روش‌های آماری دقیق تحلیل شدند تا مشخص شود آیا افزایش بار باعث تغییر در تقارن حرکتی می‌شود یا خیر.

براساس نتایج این تحقیق که در «فصلنامه مطالعات علوم پزشکی» دانشگاه علوم پزشکی ارومیه منتشر شده‌اند، وقتی وزن کوله‌پشتی به ۲۰درصد وزن بدن می‌رسد، شاخص تقارن بین پای برتر و غیربرتر به طور قابل‌توجهی تغییر می‌کند. به عبارت ساده‌تر، فشار و نیروهایی که به بخش‌های مختلف پا وارد می‌شوند، در دو پا یکسان نیستند و این ناهماهنگی در حمل بار سنگین‌تر تشدید می‌شود.

طبق یافته‌های پژوهشگران، این عدم تقارن به ویژه در بخش خارجی پاشنه و انگشتان دوم تا پنجم بیشـــتر دیده شـــد. به زبان ساده، دانش‌آموزان در این شرایط هنگام راه رفتن فشار بیشتری را روی یک پا تحمل می‌کنند، در حالی که پای دیگر کمتر درگیر است. این ناهماهنگی می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در الگوی طبیعی حرکت باشد.

اهمیت این نتایج در آن است که عدم تقارن حرکتی، اصطلاحاً هزینه متابولیکی بدن را افزایش می‌دهد، یعنی فرد انرژی بیشتری برای راه رفتن مصرف می‌کند. علاوه‌بر آن، چنین شرایطی زمینه بروز آسیب‌های اسکلتی و عضلانی را فراهم می‌آورد.

در نوجوانانی که در سن رشد قرار دارند، این موضوع می‌تواند به مشکلات بلندمدت منجر شود. از همین رو پژوهشـــگران توصیه می‌کنند که وزن کوله‌پشتی دانش‌آموزان نباید بیش از ۱۵درصد وزن بدن آنها باشـــد. همچنین بهتر اســـت همیشه از هر دو بند کوله استفاده شود تا بار به صورت متوازن توزیع گردد.

این تحقیق یادآوری می‌کند که سلامت حرکتی دانش‌آموزان باید به شکل مستمر بررسی شود. ارزیابی‌های دوره‌ای بیومکانیکی می‌تواند نشانه‌های اولیه مشکلات را آشکار کند و از عوارض بعدی پیشگیری نماید. همچنین پیشنهاد شده است که پژوهش‌های آینده علاوه‌بر نیروهای کف پا، فعالیت عضلات را نیز بررسی کنند تا تصویر کامل‌تری از اثرات حمل بار سنگین بر بدن به دست آید.